

سرنوشت تنگه هرمز، سرنوشت ایران و ایرانیان!

علی صدارت

ترامپ به وضوح گفت باید از کشتی‌ها برای عبور از تنگه هرمز، عوارض دریافت شود! و به صراحت گفته کنترل کشتی‌رانی در تنگه هرمز باید در دست امریکا باشد، و عوارض ۲۰ درصدی توسط امریکا دریافت شود! وی همچنین نام تنگه را به میل خود «تنگه ترامپ» اعلام کرد!

کنترل تنگه هرمز، پیش از هم در ایران مورد بحث قرار گرفته بود. ولی ترس از بهانه دادن به دست قدرت‌ها برای تحمیل یک جنگ تمام عیار دیگر به ایرانیان، همیشه مانع عمده‌ای برای اعمال کنترل ایران بر کشتی‌رانی در تنگه هرمز و حلیج فارس بود. ولی حالا دیگر جنگ شروع شده، و بعد از واقعه هستیم. رژیم اسرائیل و امریکا، یک جنگ اولیه‌ی غیرقانونی غیراخلاقی را، بدون هیچ حمله قبلی و تحریکی، علیه میهن ما شروع کردند. آغاز این تجاوزات به وطن ما در حالی شروع شد که مذاکرات بین نمایندگان ایران و امریکا، داشت به‌خوبی پیش می‌رفت، و حتی واسطه‌های مذاکرات از نهایه شدن قریب‌الوقوع یک قرارداد خبر دادند!

کنترل آبراه‌ها در سایر نقاط دنیا نیز مورد مناقشه بوده است.

در سال ۲۰۲۴ انصارالله حوثی‌های یمن به اعتراض به نسل‌کشی‌های اسرائیل در غزه، محدودیت‌هایی را بر کشتی‌رانی در باب‌المندب اعمال کردند، که البته باعث محدودیت کشتی‌رانی در دریای سرخ و کانال سوئز گردید. قدرت‌های عظیم نظامی، حریف انصارالله نشدند، و ترامپ مجبور شد با آنها مذاکره، و با پذیرش شرایط آنها توافق کند.

مثال دیگر ملی کردن کانال سوئز توسط جمال عبدالناصر در در جولای ۱۹۵۶ است که به مذاق قدرت‌ها خوش نیامد. در اکتبر ۱۹۵۶ اسرائیل به مصر حمله کرد تا به مسدود کردن کانال سوئز توسط مصر پایان دهد. در همخوانی با آن، فرانسه و انگلیس برای براندازی ناصر (به قول امروز:

«رژیم چنچ!») به مصر حمله کردند. گرچه قوای نظامی این دو کشور به سرعت پیشروی‌های چشم‌گیری کردند، و اسرائیل هم سینا را تسخیر کرد، ولی امروز می‌دانیم که این قدرت‌ها در این تجاوزها ی خود به مصر موفق نبودند. انگلیس و فرانسه نفوذ خود را در آن منطقه از دست دادند، و این واقعه، فصل دیگری بود در آغازِ پایانِ آن قدرت‌های استعمارگر. آن‌ها شکست خوردند. یکی از تبعات این شکست، کاهش موقعیت ارز بریتانیا، به عنوان ارز غالب در دنیا بود، موقعیتی که دلار آمریکا جای آن را پر کرد.

بدین ترتیب، اهمیت آبراه‌ها برای اعمال نفوذ و سلطه، و برای به تاراج بردن منابع ملی کشورهای منطقه توسط قدرت‌ها، مسبوق به سابقه است. در سابقه کانال سوئز، ارتش امپراطوری بریتانیا نه تنها نتوانست مانع از شتابگیر شدن افول امپراطوری شود، بلکه به آن سرعت بخشید! به نظر می‌رسد بعد از ۷۰ سال، وضعیت امپراطوری آمریکا در رابطه با تنگه هرمز، سرنوشت امپراطوری بریتانیا در رابطه با کانال سوئز را تداعی می‌کند! در رابطه با ناکارآمدی قدرت نظامی امپراطوری، یک تفاوت مهم که خوش‌خیم‌تر بودن سرنوشت ایران را نوید می‌دهد، قدرت نظامی ایران، آن هم توانایی‌های نظامی بومی‌شده و مستقل ایرانیان، از جمله توانایی ساختن موشک و پهپاد و... است. عامل برتری جغرافیایی ایران در تنگه هرمز را هم نباید فراموش کرد. از سوی دیگر، مهمترین عامل در سرنوشت تنگه هرمز، انگیزه ایرانیان در استقامت و ایستادگی و دفاع از وطن است.

اکنون، سرنوشت تنگه هرمز، بدون شک و تردید، تعیین‌کننده سرنوشت ایران و ایرانیان خواهد شد. تنگه هرمز و واقعیت‌های بین‌المللی امروز، تفاوت‌های بنیادین با کانال سوئز و دنیای بعد از جنگ جهانی دوم و سال‌های میانه قرن بیستم دارد. بسیاری از این تفاوت‌ها، حاکی از آن است که در صورت ایستادگی ایرانیان، تنگه هرمز عامل بسیار مهمی برای خشونت‌زدایی و صلح پایدار در منطقه، و یا عامل مهم و موثر بازدارندگی از جنگ‌ها و تجاوزها در آینده خواهد شد.

گوشه‌ای از واقعیت‌های بین‌المللی، از جمله از این قرار هستند:

معضلات اقتصادی آمریکا، به ضعف آن کشور در رسیدن به خواسته‌های سلطه‌گرانه خود در تنگه هرمز افزوده است. حجم بدهی ملی امروز آمریکا نزدیک به ۴۰ تریلیون دلار گزارش شده است. در حالی که هنگام درگیری بریتانیا برای کانال سوئز، بدهی آنها به ارزش امروز حدود کمتر از یک تریلیون دلار بود. بودجه نظامی درخواستی ترامپ حدود یکونیم تریلیون دلار است، که در این زمان و به علت مقاومت باور نکردنی ایرانیان، هزینه‌های برهم افزاینده تجاوزات به ایران، بیشتر از آن را هم محتاج خواهد بود. قیمت سوخت در آمریکا بالا می‌رود، که در عمل بازتاب‌دهنده نارضایتی مردم آمریکا شده است. تورم و گرانی و ناامنی اقتصادی، محسوس است. امروزه اکثریت عمده مردم در آمریکا، به بازار سهام وابسته هستند. احتمال ترکیدن «حباب هوش مصنوعی» خطری است که سقوط کلی این بازار را هشدار می‌دهد. این حقایق، هشدار است برای فروپاشی سامانه اقتصادی جهانی، که برای ترامپ بسیار نگرانی‌آور بوده است. وی چند بار نگرانی خود را از تکرار تاریخ رئیس‌جم

هور اسبق آمریکا هربرت هوور (Herbert Hoover)

(Hoover) یاد کرده است، که در زمان او اقتصاد آمریکا دوران رکود بی‌سابقه‌ای را به همراه داشت. ناتوانی ترامپ برای بازگرداندن شرایط کشتی‌رانی در تنگه هرمز به قبل از خرداد ۱۴۰۴، دلایل متعددی دارد. از جمله نباید از اثر افول دلار و بالاتر رفتن نقش BRICS غافل شد، که در آن مجموعه چین بزرگترین اقتصاد، و اکنون در مواردی حامی ایران بوده است.

در زمان بحران کانال سوئز، علی‌رغم نفوذ اطلاعاتی گسترده، محاسبات رژیم اسرائیل و بریتانیا و فرانسه در مورد مقاومت مردم مصر، کاملاً اشتباه از آب درآمد. در این زمان، محاسبات امپراطوری‌های «عظیم» و «بی‌نظیر» و «منحصر به فرد» اطلاعاتی رژیم اسرائیل و آمریکا هم با واقعیت خوانایی نداشت و مردم ایران در «سفر تفریحی یکی دو روزه» ترامپ، برای «رژیم چنج» به دست انیرانیان، به خیابان‌ها نیامدند!

در رابطه با زمان بحران کانال سوئز و افول قدرت‌های اروپایی، به‌خصوص بریتانیا در منطقه، یک «برادر بزرگتر»، یعنی امریکا وجود داشت که آن خلاء را پر کند باشد که استعمارگری‌های آن‌ها، کاملاً از نفوذ و سلطه خودشان، یعنی قدرت‌های غربی و صهیونیسم خارج نشود. از جمله همین امر باعث شد که کشورهای که در دنیای عرب به عنوان «ملی‌گرا» شناخته می‌شدند، متأسفانه کم‌کم به زیر یوغ قدرت امریکا بروند، و به‌طور آشکارا یا نهان، به قدرت نیابتی امریکا در منطقه، یعنی رژیم اسرائیل نزدیک شوند. رژیم‌های دیکتاتوری وابسته به قدرت‌های غربی، به نیابت از قدرت‌ها، توانستند مردم منطقه را سرکوب و مهار، و مطیع سلطه‌گران کنند. اکنون با برخاستن موج‌های انسانی منقلب شده عدالت‌خواه، مردم منطقه در تدارک «بهار عرب» هستند تا خود را از سلطه قدرت‌های داخلی و خارجی، رها سازند، بهار دیگری از نوع «بهار انقلاب» ایران. فعالیت‌های خشونت‌زدا و حق‌وقی رسانه‌ای مردم، یعنی ما «شهروندخبرنگاران»، نقش مهمی در این روند داشته است.

تبعات بسته شدن تنگه هرمز، و مشکلات چندین وجهی آن در ابتدا زیاد معلوم نبود. احتمال داده می‌شود که قدرت‌ها، و تحلیل‌گران و اطلاعاتی-

امنیتی‌های آنان، به آن تبعات و مشکلات واقف بودند، ولی آن‌ها را زیاد رسانه‌ای نمی‌کردند.

با توجه به واقعیت‌های ملموس و خطرات حتمی، از همان ابتدای بسته شدن تنگه هرمز تا به امروز، هیچ‌کدام از کشورها حاضر نشده‌اند یک همراهی جدی را با ترامپ عملی کنند. حمایت‌های سایر کشورها از امریکا در رابطه با هرمز، چه در منطقه و چه در اروپا، فقط در حد اعلامیه و مصاحبه و ... محدود شده است. هر چه هم که زمان گذشته و توانایی نظامی پیش‌بینی نشده ایران، بیشتر به دنیا نمایش داده شده، همراهی عملی سایر کشورها، مشکل‌تر هم گشته است.

فعال‌های مایشاع بودن امریکا در منطقه، به دلایل دیگری هم ضعیف‌تر هم شده است، که البته قدرت ترامپ را برای ممانعت از ایران برای کنترل تنگه هرمز کمتر هم می‌کند. یکی از دلایل مهم این ضعف امریکا، پشتیبانی‌های عظیم و سرنوشت‌ساز این کشور از رژیم اسرائیل بوده است که اکنون رژیم

صهیونیستی به عنوان «منفورترین کشور در دنیا» شناخته می‌شود. مردم دنیا و مردم منطقه، بیش از پیش به امریکا بدبین شده‌اند. که این واقعیت هم خود باعث فشار افکار عمومی به حاکمان و اب سته به امریکا شده است. این عوامل در عمل، باعث ضعف سیاسی ترامپ و شرکا، حتی در داخل ام ریکا شده. انتخاب شدن زُهران ممدانی (Zohran

Mamdani) به عنوان شهردار نیویورک واقعه بی‌سابقه و بسیار مهمی بود، حتی هزاران کیلومتر دورتر، و از جمله برای ما ایرانیان. به نظر می‌رسد افرادی مانند او، بتوانند نمایندگان باسابقه حام ی اسرائیل و موافق با تجاوزات به ایران را، حتی از حزب دموکرات، در انتخابات میان‌دوره‌ای شک ست بدهند. در این بین، پیروزی عبدالسید (عبدالرحمن محمد السید) بر نماینده باسابقه حزب دمو کرات از میثیگان که از لابی اسرائیل حمایت‌های بی‌سابقه‌ای گرفته، اهمیت فراوانی خواهد داشت. ا حتمال پیروزی السید زیاد است، و بعضی آن‌را یک «رفراندوم» می‌دانند، چرا که لابی اسرائیل و ایلا ن ماسک و بسیاری دیگر قدرت‌ها، میلیون‌ها دلار برای شکست خوردن السید هزینه کرده‌اند. آگاهی ایرانیان، از جمله مذاکره‌کنندگان با امریکا، از اطلاعات سیاسی داخل امریکا، جهت تصمیم‌گیری برا ی مطالبات ایران در مذاکرات با قدرت‌های منطقه و دنیا، بسیار مهم است.

کمبود و هزینه سلاح‌های میلیون دلاری، یکی دیگر از دلایل عقب‌نشینی‌های ترامپ، و ظاهر شدن ضعف امریکا در سایر درگیری‌های حال (اکراین-روسیه) و آینده (تایوان-

چین) است. سایر کشورها هم امریکا را به پایان دادن به جنگ و تجاوزها به ایران خوانده‌اند. به خ صوص کشورهای منطقه که ناتوانی «ابر قدرت اتمی جهان» امریکا، که گویا صاحب «بزرگترین قد رت نظامی تاریخ بشریت» است را، در مقابل حمله‌های غیرقابل تصور ایران تجربه کردند! پایگاهها ی نظامی که امریکا بعد از انقلاب ایران، در جای‌جای کشورهای منطقه ساخت، با این قول و عده بو د که آن‌ها در مقابل ایران حمایت شوند! این کشورها در عمل، به عنوان قوای نیابتی امریکا در منط قه عمل کرده‌اند. بدون همکاری آن‌ها، تجاوزهای رژیم اسرائیل و امریکا به ایران، غیرممکن بود!

✱

ترامپ در تجاوزها به ایران، به نتیجه مطلوب نرسیده. امریکا و اسرائیل و شرکا از ایرانیان شکست خورده‌اند. ایرانی‌ها شرایط ترامپ را در مذاکرات قبول نمی‌کنند، او تهدید می‌کند که ایران را می‌زند، با خاک یکسان می‌کند، و به عصر حجر باز می‌گرداند. ولی در عمل وقتی زمان مقرر برای شروع مجدد حملات فرامی‌رسد، ترامپ بهانه‌های رنگارنگ می‌آورد، و اندکی مانده به «پایان دنیا» عقب می‌کشد. بنا بر تهدیدهای ترامپ، قرار بود دیشب بلای «عظیم‌ترین حملات که از جنگ جهانی دوم تا به حال سابقه نداشته» را بر سر ما خراب کنند! این شاید بار هفتم یا هشتم باشد که ترامپ تهدیدهای شدداد و غلاظ علیه ایران را با آب و تاب، رسانه‌ای می‌کند. گرچه این تهدیدها برای ایرانیان بسیار اضطراب‌آور بوده است، و حالت شکنجه‌های احساسی-

روانی و اعدام‌های مصنوعی را در ۹۲ میلیون ایرانی ایجاد می‌کند، ولی این چوپان به دروغ‌گویی و «خالی‌بندی» شناخته می‌شود!

ترامپ تا به حال چندین بار، چند هدف متفاوت را به عنوان دلیل اصلی تجاوزات به ایران اعلام کرده است. جدیداً به نظر می‌رسد کنترل تنگه هرمز، مسأله‌ای اصلی شده است. البته توجه به اعمال تبعیض‌ها و زیاده‌طلبی‌های قدرت بسیار مهم است. ترامپ در رابطه با جغرافیای منطقه ما، خلیج فارس را «خلیج ترامپ» و تنگه هرمز را «تنگه ترامپ» خوانده است. وی عوارض‌گیری از کشتی‌رانی در تنگه هرمز را درست می‌داند، ولی با این شرط که او، این عوارض را دریافت کند! و مقدار آن را هم ۲۰٪ اعلام کرده است!

✱✱ خواسته‌های مطرح شده توسط طرف ایرانی، از جمله از این قرار بوده است:

• کنترل تنگه هرمز توسط ایران، (ضوابط دوکانه و تبعیض: امریکا هم ادعا را برای خود دارد

د!)

- غنی‌سازی اورانیم توسط ایران، (ضوابط دوکانه و تبعیض: برای رژیم اسرائیل که عضو IA نیست، غنی‌سازی که هیچ داشتن چندین سلاح اتمی هم هیچ مشکلی نیست، ولی گرچه غنی‌سازی برای ایران قانونی است، ولی زورِ قدرت‌ها نمی‌خواهد اجازه آن را به ایران بدهد) [این توضیح را لازم می‌دانم که نویسنده با سلاح اتمی موافق نیست، و باور دارد که غنی‌س ازی به‌جز ضرر و خشونت و بهانه برای تجاوزها به حقوق، چیز دیگری نداشته است]
- لغو تمام تحریم‌های اولیه و ثانویه علیه ایران، (ضوابط دوکانه و تبعیض: تنگه هرمز در مقابل تنگه دلار و سیستم بانکی ارزی آمریکا و شرکا)
- لغو تمام قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و IAEA علیه ایران، (ضوابط دوکانه و تبعیض: هیچکدام از متعدد قطعنامه‌ها علیه اسرائیل، پیش‌بازی ارزش نداشته است!)
- پرداخت غرامت جنگی به ایران،
- بررسی جنایت‌های جنگی،
- بستن پایگاه‌ها و بیرون بردن قوای جنگی آمریکا از منطقه،
- پایان تمام خصومت‌ها در منطقه، از جمله لبنان، غزه، یمن، سوریه، (رژیم اسرائیل و امریکا و شرکای آن‌ها در منطقه و دنیا، به «قوای نیابتی» ایران اشاره می‌کنند، ولی داشتن قوای نیابتی توسط امریکا (ضوابط دوکانه و تبعیض: از جمله کشورهای خلیج فارس، و اردن و ... و در راس قوای نیابتی امریکا در منطقه: رژیم اسرائیل)، بلامانع است
- عدم دخالت در امور داخلی ایران.

فشارها بر ایرانیان، از جمله بر مذاکره‌کنندگان، برای تسلیم، بی‌سابقه بوده است. ولی تجربه به و ضوح ثابت کرده که هر تسلیمی از جانب ایران، طلبکاری‌های بیشتری را به دنبال آورده، و موج جدیدی از تجاوزها و زیاده‌خواهی‌ها را بر ایران و ایرانیان تحمیل کرده است.

پیش‌نیاز جنبش‌های خشونت‌زدای ایرانیان، همیشه کاهش تحدیدها و تهدیدهای قدرت‌های خارجی بوده است. برای استقرار و استمرار و پیش‌برد مردم‌سالاری، باید دخالت‌های قدرت‌های خارجی در امور داخلی ایران را به صفر متمایل کنیم.

هدف رژیم اسرائیل، به‌عنوان قوای نیابتی امریکا و صهیونیسم در منطقهٔ ما، برپایی «اسرائیل بزرگ» است، با ادعای آخرالزمانی «سرزمین موعود» برای «قوم برگزیده»! بنا بر اعترافات علنی مقامات ریز و درشت صهیونیست، و به دلایل متعدد، آن‌ها ایران و ایرانیان، مهمترین مانع برای رسیدن به اهداف خود می‌دانند:

هدف قدرت‌ها:

بعد از تحقیر و توهین به ایرانیان،

بعد از خرد و خمیر کردن ایرانیت و خنثی‌سازی آن،

دوقطبی و چندقطبی کردن جامعه، و به جان هم انداختن مردم!

ناممکن ساختن زندگی در میهن، و تحمیل مهاجرت‌های اجباری!

تکه‌پاره کردن ایران! و تحمیل جنگ‌های بی‌پایان با بهانه‌های دین و مذهب و قوم و «اتنیک»، و...

و اگر بتوانند فدرالیسم استانی» را جا بیاندازند، جنگ‌های دائمی برا تعیین مرزها بین استان‌های اد

عایی آن‌ها!

چپاول و به یغما بردن منابع طبیعی ایران!

✱

در مذاکرات جاری، هر پذیرش و قرارداد بدون تضمینی بی‌تردید با کارشکنی و عهدشکنی و خیانت رژیم اسرائیل و امریکا و شرکا روبرو خواهد بود. این در حالی است که گزارش‌هایی حاکی از خرید مقدار زیادی اسلحه (بمب سنگرشکن و پهپاد «هرمس ۹۰۰») توسط امارات از رژیم اسرائیل منتشر شده است. گروه‌ها و احزاب جدایی‌خواه تجزیه‌طلب «انتیکی» فدرالیست، هنوز به مسلح بودن خود، و در واقع به وابسته و مزدور بودن خود، افتخار می‌کنند. آن‌ها و فرقه ولایت مطلقه رجوی، در کمین نشسته‌اند که با تحریک‌ها رژیم اسرائیل و امریکا، به وطن ما حمله کنند! این قوای نیابتی جیره‌خوار رژیم اسرائیل و امریکا، به همراه فرقه ولایت مطلقه پهلوی، ابزار کار قدرت‌ها برای تکه‌پاره کردن ایران هستند! و باید اربابان آن‌ها را مجبور کرد که از حمایت آن‌ها دست بردارند.

مسئله بسیار مهم در مذاکرات با امریکا و شرکا، خشونت‌زدایی و یافتن راه‌حلی پایدار است برای بازدارندگی و پیش‌گیری موثر برای انواع تجاوزات و خشونت‌ها علیه ایران و ایرانیان، که برای موثر بودن، باید توسط روش‌های خشونت‌زدا اعمال شود. ما ایرانیان، با درآمیختن با افکار عمومی مردم دنیا، نباید اجازه دهیم که در آینده، امثال ترامپ و شرکا (بسته به اینکه آن روز از کدام دنده بیدار شد‌ه‌اند!) برای باری دیگر به میهن ما در آن روز حمله می‌کنند؟ و یا اینکه آن‌را به روزی دیگری واگذار می‌کنند!؟

✱

فیلم ترامپ، درست در لحظه‌ای که تصمیم گرفت تفاهمنامه با ایران را لغو کند! که در دنیا منتشر شد، نحوه و روند سیاست‌گذاری‌های کلان و تصمیم‌گیری‌های مهم توسط ریاست جمهور امریکا (کن فرانس خبری-چهارشنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۵ = ۸ جولای ۲۰۲۶-نشست ناتو-آنکارا-ترکیه) را هویدا کرد!

https://www.youtube.com/watch?v=_hnQ65JccoU

